

ارزیابی الگوی مدیریت محلی روستایی مبتنی بر شاخص‌های حکمروایی خوب

مطالعه موردی: شهرستان مشگین‌شهر

دکتر وکیل حیدری ساربان^۱

چکیده

تحقیق حاضر با هدف سنجش و ارزیابی الگوی مدیریت محلی مبتنی بر شاخص‌های حکمروایی خوب در مناطق روستایی شهرستان مشگین‌شهر انجام شده است. این پژوهش به لحاظ روش، پیمایشی و از نظر هدف، کاربردی محسوب می‌شود. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش، شامل کل روستاییان بالای ۱۵ سال ساکن در مناطق روستایی شهرستان مشگین‌شهر به تعداد ۱۹ روستاست (N=۹۰۳۵۹) که از این میان تعداد ۳۸۳ نفر با استفاده از فرمول کوکران به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. روایی صوری پرسش‌نامه توسط پائل متخصصان مورد تأیید قرار گرفت. مطالعه راهنما در منطقه مشابه جامعه آماری با تعداد ۳۰ پرسش‌نامه صورت گرفت و با داده‌های کسب‌شده و استفاده از فرمول ویژه کرونباخ آلفا در نرم‌افزار SPSS، پایایی بخش‌های مختلف پرسش‌نامه تحقیق ۰/۷۲ تا ۰/۹۴ به دست آمد. نتایج حاصل از آزمون آماری نشان داد که شاخص‌های مشارکت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری از کارکرد بیشتری در شکل‌گیری الگوی مطلوب مدیریت محلی روستایی شهرستان مشگین‌شهر تأثیر دارد و مدیریت محلی روستایی شهرستان مشگین‌شهر از لحاظ شاخص‌های حکمروایی مطلوب روستایی در وضعیت خوبی قرار دارد. افزون بر این، مطابق یافته‌های پژوهش، همه شاخص‌های حکمروایی خوب (مشارکت اجتماعی، پاسخگویی، کارآیی و اثربخشی، قانون‌مندی، عدالت و برابری، اجماع‌محوری، مسئولیت‌پذیری و شفافیت)، در مناطق روستایی شهرستان مشگین‌شهر در وضعیت مطلوبی قرار دارند.

جغرافیا و توسعه، شماره ۵۷، زمستان ۱۳۹۸
تاریخ دریافت: ۹۷/۰۸/۳۰
تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۳/۱۲
صفحات: ۱۵۴-۱۳۳



واژه‌های کلیدی:

حکمروایی خوب روستایی، مدیریت روستایی، توسعه پایدار، جامعه مدنی، بخش خصوصی، شهرستان مشگین‌شهر.

مقدمه

که در اواسط سال ۱۹۹۰ گفتمان رایج و تخصصی بین‌المللی علاقه تازه‌ای به نقش نهادها در تغییرات اجتماعی و اقتصادی نشان داد و عوامل نهادی و حکمروایی را عامل تعیین‌کننده دست‌یابی به توسعه و به عبارت دیگر، حکمروایی را کارگزار اصلی توسعه معرفی کرد (Mehaan, 2004: 29).

جوزف استیگلیتز معتقد است، امروزه اهداف توسعه گسترش یافته‌است و شامل توسعه پایدار و توسعه برابرخواه و مردم‌سالار می‌شود. به اعتقاد وی، بهبود

امروزه مدیریت توسعه روستایی به شکل سنتی با توجه به پیچیده‌تر شدن مسائل و مشکلات مناطق روستایی، جواب‌گوی مدیریت و اداره بهینه مناطق روستایی نیست؛ به همین دلیل در سال‌های اخیر رویکردهای متعددی در حوزه مدیریت مناطق روستایی به منظور عملکرد بهینه این مدیریت مطرح شده که از جمله مهم‌ترین این رویکردها می‌توان به حکمروایی خوب اشاره کرد. پیرامون حکمروایی خوب باید گفت

(Murdoch & Abram, 1998:45). همچنین، امروزه گسترش رهیافت و رویکرد حکمروایی خوب مستلزم آن است که مردم و جوامع روستایی در شکل‌های مدنی به صورت شبکه‌های کوچک اجتماعی سازمان‌دهی شوند تا از توانایی‌ها، استعدادها و خلاقیت‌هایشان به گونه‌ای مناسب استفاده کنند و به مدیریت آنها بپردازند (رکن‌الدین/فتخاری و همکاران، ۱۳۹۱: ۱). این رویکرد توانمندی قابل ملاحظه‌ای در تبیین واقعیت‌ها داشته‌است و می‌تواند در زمینه سیاست‌گذاری توسعه پایدار روستایی به عنوان راهنمای عمل مناسبی به کار گرفته شود؛ زیرا به نهادسازی، ظرفیت‌سازی، توانمندسازی و توسعه مشارکتی توجه ویژه‌ای دارد. این رویکرد دارای یک مسئولیت اجتماعی برای ایجاد دموکراسی واقعی براساس شالوده‌هایی از مشارکت مؤثر دموکراتیک از جانب مردم روستایی است. به این ترتیب، شبکه‌های اجتماعی قوی محلی روستایی توانایی این را دارند که مشکلات روستاها را شناسایی و آنها را برطرف کنند (رحمانی‌فضلی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳۴). بر همین اساس، ارزیابی الگوی مدیریت محلی روستایی مبتنی بر شاخص‌های حکمروایی خوب از پیش شرط‌های اساسی در جهت برنامه‌ریزی در راستای تحقق توسعه پایدار مناطق روستایی به شمار می‌رود و نقش بالایی در برنامه‌ریزی راهبردی دولت‌ها در مناطق روستایی خواهد داشت؛ به این دلیل که از نظر حکمروایی خوب، تصمیم‌گیری درباره توسعه روستایی باید توسط همه کسانی انجام گیرد که در آن مؤثر و ذی‌نفع هستند و می‌بایست براساس عدالت، آزادی و حق انتخاب روستاییان استوار باشد. برای تحقق این امر، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری بیش از پیش برعهده اجتماعات محلی، نهادهای غیرحکومتی و شوراهای محلی واگذار شود و در این صورت است که در حکمروایی خوب روستایی با نظام اداره مردمی خوب که آن را یکی از الزامات اساسی توسعه پایدار منطقه‌ای و محلی می‌دانند، مردم

حکمروایی عامل اصلی تحقق این اهداف است (شاه‌آبادی و پورجوان، ۱۳۹۱: ۵۴) و موضوع حکمروایی خوب با هدف دستیابی به توسعه انسانی پایدار مطرح شده که در آن بر کاهش فقر، ایجاد شغل و رفاه پایدار، حفاظت و تجدید حیات محیط زیست و رشد و توسعه زنان تأکید می‌شود که همه این موارد با حکمروایی خوب امکان تحقق می‌یابد (Bemile & Boateng, 2015: 154).

حکمروایی شامل طیف وسیعی از ساخت مفاهیمی مانند توسعه پایدار، توسعه روستایی و شهری و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی با رویکرد مشارکتی و شفافیت و به موازات ویژگی‌های غالب استراتژی‌های اجرای خط‌مشی و برنامه‌ریزی‌هاست (شریف‌زاده و قلی‌پور، ۱۳۸۲: ۹۵). حکمروایی، فرایند مستمری است که از طریق آن منافع متعارض یا گوناگون می‌توانند با هم سازگار شوند و اقدام جمعی برای منفعت و مصلحت عمومی صورت گیرد.

در خصوص حکمروایی خوب، رهبری و مدیریت جامعه به گونه‌ای سنجیده، درست و کارآمد و در چارچوب حاکمیت قانون، تصمیم‌گیری منطقی و عادلانه همراه با پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری، مشارکت عمومی و راهبردهایی از این دست است که در تعامل درست شهروندان و نیروهای سیاسی-اجتماعی جامعه مدنی با دولت است (سردارنیا، ۱۳۹۰: ۱۳۳).

بررسی متون مرتبط با حکمروایی خوب روستایی نشان می‌دهد که رویکرد حکمروایی خوب روستایی از جمله جدیدترین و پرطرفدارترین رویکردهایی است که در زمینه مدیریت توسعه پایدار روستایی مطرح شده‌است. این رویکرد با تکیه بر سه رکن اصلی دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی به حضور فعال و اثرگذار این ارکان در سایه مشارکت، پاسخگویی، حاکمیت قانون، کارایی و اثربخشی، مسئولیت‌پذیری، اجماع‌پذیری و نظارت و توسعه انسانی تأکید دارد

روستایی وارد مرحله‌ای جدیدی شد که با استفاده از کدخدا به‌عنوان بازوی اجرایی به اعمال سیاست‌های توسعه روستایی پرداختند (ودیعی، ۱۳۴۸: ۱۱۵). بعد از انقلاب اسلامی وظیفه مدیریت روستایی برعهده شورای اسلامی روستا قرار گرفت که جایگزین انجمن ده شد؛ اما به‌مدت ۲۰ سال بدون بازوی اجرایی به فعالیت خود ادامه می‌داد. با تصویب قانون تأسیس دهیاری‌ها در سال ۱۳۷۷، دهیاری به‌عنوان بازوی اجرایی شورای اسلامی روستا نوک پیکان مدیریت روستایی قرار گرفت (بدری، ۱۳۹۰: ۱۵۵). تأسیس دهیاری در روستاها را می‌توان نقطه‌عطفی در تاریخ مدیریت روستایی ایران به‌شمار آورد؛ زیرا از هنگام دخالت دولت در مدیریت روستایی و تأسیس انجمن ده، تاکنون همواره مدیریت امور روستا برعهده انجمن ده یا شورای اسلامی روستا بوده‌است؛ اما با تأسیس دهیاری‌ها، درحال حاضر دو نهاد مدیریتی در روستا وجود دارد. امروزه رهیافت‌های چندی پیرامون مدیریت روستایی وجود دارد که عبارت‌اند از: رهیافت‌های سنتی، رهیافت‌های منابع انسانی، رهیافت‌های کمی و رهیافت‌های سیستمی و اقتضایی (نادری‌مهدی، ۱۳۹۴: ۱۸۸). عده‌ای درخصوص چندبعدی بودن مفهوم توسعه بر این باورند که بهترین و ارزشمندترین رویکرد درخصوص مدیریت توسعه روستایی رویکرد سیستمی، مشارکتی و اقتضایی است که در برخی از منابع از آن به‌عنوان «مدیریت نوین و یا مدیریت جدید» نام برده شده‌است. نباید فراموش شود که به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران عرصه مدیریت، رویکرد اقتضایی به مدیریت را می‌توان نقطه اوج مدیریت دانست که برای وضعیت‌ها و شرایط مختلف کاربرد دارد و در این راستاست که مدیریت مبتنی بر جامعه محلی با الهام از این نگاه مدیریتی شکل گرفته‌است.

شکل جدید مدیریت روستایی، مدیریت مشارکتی نام دارد. در این شیوه مدیریتی، عناصر بیرونی

روستایی از یک روستای انفعالی به یک روستایی فعال و مسئولیت‌پذیر تبدیل می‌شوند. با توجه به موارد اشاره‌شده، هدف اساسی این مطالعه با توجه به نیاز مناطق روستایی در جهت وجود زمینه‌های شکل‌گیری مدیریت پایدار روستایی، ارزیابی الگوی مدیریت محلی روستایی مبتنی بر شاخص‌های حکمروای خوب در بین روستاییان شهرستان مشکین‌شهر است.

مبانی نظری تحقیق

بررسی تحولات روستایی پیش از مشروطیت حاکی از این واقعیت است که تا هنگام پیدایش نخستین نشانه‌های دولت‌مدرن در ایران و تأسیس نهاد قانون‌گذاری، تحولات روستاهای ایران، متأثر از وضعیت اداره کشور و متکی بر قوانین عرفی ناشی از شرایط فرهنگی، دینی، سیاسی و اجتماعی بود. روابط و تحولات در محیط روستاها و روابط بین روستاها با یکدیگر و یا با نواحی شهری، بر پایه خواست و نیاز مالک نظم می‌یافت و به‌جز موارد خاص عملاً برنامه یا اراده خاصی برای بهبود وضعیت روستاییان از طریق حکومت مرکزی وجود نداشت (دربان‌آستانه، ۱۳۸۹: ۱۳).

به‌طور عام مدیریت روستایی را می‌توان در واقع فرایند سازماندهی، هدایت جامعه و محیط روستایی از طریق شکل‌دادن به سازمان‌ها و نهادها دانست (رضوانی، ۱۳۸۳: ۲۱۱). به بیان دیگر، مدیریت روستایی عبارت است از: مدیریت منطقی منابع انسانی و طبیعی در محیط‌های روستایی برای نیل به اهداف پایداری اجتماعات محلی و زیست‌محیطی براساس فرایندهای علمی و مدیریتی (بدری، ۱۳۹۰: ۱۵۴). در این دوران مدیریت روستایی به شیوه‌ها و شکل‌های سنتی امور عمومی ده خود را اداره می‌کرد. در این میان نقش کدخدا تعیین‌کننده بود (احتشامی، ۱۳۸۴: ۱۵۰)؛ اما به تدریج با شکل‌گیری انجمن عمران ده در سال ۱۳۳۴ و انجمن ده در سال ۱۳۳۵، مدیریت

روستایی دارند و بین آنها تعامل برقرار کرده و کارکردهای چندگانه دارند.

همان‌طور که در بالا ذکر آن رفت، مدیریت روستایی ایران در گذشته به‌صورت سنتی بود و بررسی روند مدیریت روستایی ایران در دوره پس از انقلاب نشان می‌دهد که تحولاتی در این دوره نسبت به دوره قبل صورت گرفته، اما بینش صحیح و هدفمندی در سیاست‌ها و برنامه‌های کلان در مدیریت روستایی برقرار نبوده‌است (قدیری معصوم و ریاحی، ۱۳۸۳: ۱۸۰).

بررسی متون مدیریت حاکی از این واقعیت است که تاکنون تعاریف متعددی از حکمروایی صورت گرفته‌است که به باور استی، حکمروایی نحوه اعمال اقتدار سیاسی در راستای تحقق خواسته‌های مردم است (Esty, 2006: 125). برنامه توسعه سازمان ملل متحد حکمروایی را نظامی از ارزش‌ها، نهادها و سیاست‌ها تعریف می‌کند که جامعه، مسائل اجتماعی خود را از طریق سه بخش دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی مدیریت می‌کند (UNDP, 2008: 198). حکمروایی خوب سازوکارها، فرایندها و نهادهایی است که به‌واسطه آن شهروندان، گروه‌ها و نهادهای مدنی به منافع خود دست می‌یابند و تعهدات را برآورده می‌کنند (امیدیان و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۱۳).

در تعریف دیگر، حکمروایی روش به‌کارگیری توانایی و قدرت مردم به‌معنی سیاست‌سازی و عمل به سیاست‌ها و تصمیم‌گیری عمومی است (جهانشاهی، ۱۳۸۶: ۴۶). به باور کاردوس (۲۰۱۳)، حکمروایی خوب الگویی است که در جهت اصلاح بخش عمومی، تقویت جامعه مدنی و تسریع مشارکت اثربخش خصوصی و تغییری از کوچک‌سازی دولت به توانمندسازی است و در خصوص حکمروایی خوب روستایی باید گفت که حکمروایی خوب روستایی الگویی است که از طریق جلب مشارکت و همیاری همه نیروهای عملکردی و سطوح جغرافیایی و جایگزینی هم‌گرایی به جای واگرایی بتواند زمینه

تعیین‌کننده سرنوشت مردم در روستا نیستند، بلکه مردم در تعامل با دولت و بازار سرنوشت و آینده خود را رقم می‌زنند. مشارکت دادن مردم روستایی که خود ذی‌نفع و گروه هدف برنامه‌های توسعه هستند، با شکل‌گیری سازمان‌های مردمی محلی در جامعه امکان‌پذیر است که بدین‌ترتیب، زمینه‌ای فراهم می‌شود تا نهادهای مشارکت‌کننده و همکاران طرح‌ها به‌طور بالقوه کار تسهیل‌گری را انجام دهند (رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۸۶: ۸)؛ بنابراین برخلاف مدیریت سنتی، نیروهای بیرونی (دولت و بازار) نقش تسهیل‌گر یا کاتالیزور را در جامعه روستایی ایفا می‌کنند و برنامه‌های توسعه به‌طور مستقیم با همکاری مردم محلی به اجرا درمی‌آیند و به‌همین دلیل، شانس بیشتری برای نیل به موفقیت دارند.

درنهایت اینکه رکن‌الدین افتخاری با رویکرد نهادگرایی به‌مثابه یک مبنای نظری مدیریت توسعه روستایی چنین استدلال می‌کند که در جهت تحقق و عملیاتی کردن حق توسعه‌یافتگی و زندگی شرافتمندانه در چارچوب چشم‌انداز روستایی، نیاز به سازوکارهای نهادی از جمله بازنگری در اندیشه‌ها، شیوه‌های برنامه‌ریزی، قوانین، رویه‌ها، سبک‌ها و مدیریت و حکمرانی و تأکید بر ایجاد و تقویت نهادهای بومی، محلی و مدنی به‌طریق خوشه‌ای و شبکه‌ای کردن آنها میسر است؛ از این‌رو نهادهای جدید، نهادهایی هستند که به محیط‌های باز و روش‌های مشارکتی واکنش بهتری نشان می‌دهند و عمدتاً غیرمتمرکز و چندرشته‌ای هستند که دارای ساختار سازمانی انعطاف‌پذیر بوده‌اند و پاسخگوی نیازهای جامعه روستایی کنونی هستند (رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۸۶: ۱۲۷). پس این‌گونه نهادها، سازمان‌های یادگیرنده‌ای هستند که جریان‌های بازخورد سریع و واقع‌بینانه‌ای برای پاسخ‌های انطباقی به تغییرات می‌دهند و فهم، درک عمیق و واقعی از پیوندها و ارتباطات اجتماعی، اقتصادی در جامعه

درباره آنچه برای جامعه بهترین است، آگاهی داشته باشند و هشدار می‌داد، زمانی که به دولت اجازه داده شود تا فعالیت‌هایش را فراتر از حمایت از حقوق مالکیت گسترش دهد، ضرورتاً آن دولت به ابزار گروه‌های ذی‌نفع خاصی تبدیل خواهد شد. ایشان بر خرد حاکم بر بازار آزاد و دولت حداقل تأکید می‌کرد (Barry, 1979: 312). در کل به‌زعم همه اندیشمندان لیبرال کلاسیک بهترین حکومت، حکومتی است که کمتر حکومت کند. روسو از حاکمیت عمومی حمایت کرد که در آن همه شهروندان فعالانه در سیاست شرکت می‌کردند. برای ایشان، حکومت توسط مردم به دور از برخورد منافع فردی یا گروهی بود. ایشان استدلال می‌کرد که فراهم کردن فرصت مشارکت در ایجاد قوانین و نهادهای جامعه برای افراد، باعث علاقه‌مندی آن‌ها به حمایت و پیش‌برد منافع جامعه خواهد شد (Vaghn, 1994: 135). به باور هابرماس، موفقیت زیاد نظام سرمایه‌داری در افزایش استانداردهای زندگی، انسان را آزاد می‌کند تا بر بهبود کیفیت زندگی‌شان تأکید کنند (کلارک، ۱۹۴۸: ۲۵۶). لوی اشتراوس بر این باور بود که دولت باید بیش از یک داور بی‌طرف باشد. به باور او دولت باید از طریق حفظ آگاهانه ارزش‌هایی مانند وطن‌پرستی، احترام متقابل و احساس تکلیف به‌عنوان یک نیروی اخلاقی عمل کند. درنهایت، اگرچه شکل ایده‌آل حکومت او نیازمند حکمرانی از سوی خردمندترین و بافضیلت‌ترین رهبران بود، اما او تأکید می‌کرد که ظهور چنین حکومتی در جوامع مدرن نامحتمل خواهد بود (Rosenblum, 1989: 426). به باور اوکشات، دولت نباید در فعالیت‌های اقتصادی درگیر شود و باید به صاحبان منافع اقتصادی این فرصت داده‌شود تا در راستای تحقق حکمروایی خوب بر دولت اعمال نفوذ کنند. در کل از دید محافظه‌کاران، هدف دولت، حفظ نظم طبیعی جامعه است. در طول دوره‌های ثبات

توسعه پایدار و سازمان فضایی - کالبدی کارآمد در نواحی روستایی را فراهم آورد. نظریه‌پردازی‌های جدید در زمینه کاهش نقش دولت و بازرگری در وظایف و کارکردهای آن و افزایش نقش نهادهای غیردولتی در اداره زندگی اجتماعی را می‌توان مبین ضرورت گذار از حکومت به حکمروایی تلقی کرد. در این بین، هابز با آغاز تحلیلش از افراد به‌عنوان موجوداتی منفرد و منفعت‌طلب در وضع طبیعی، حکومت و جامعه سیاسی را پدیده‌ای مصنوعی و دست دوم محسوب کرد. بر این اساس تعقیب منافع شخصی تنها هدف وجود انسان و سیاست تنها فعالیت ضروری برای حفظ نظم اجتماعی دیده‌شد. با این توصیف، هابز دیدگاه ارسطو درباره فعالیت سیاسی به‌عنوان حوزه‌ای را که در آن پیشرفت و تعالی انسان از طریق مشارکت در زندگی عمومی حاصل می‌آمد، رد کرد (Rowley, 1993: 63) درمقابل، به باور جان لاک گسترش مالکیت خصوصی به همه افراد یک جامعه سود می‌رساند و شهروندان فقیر به‌عنوان کارگران روزمزد در یک نظام مبتنی بر مالکیت خصوصی وضعیتی بهتر از آنچه خواهند داشت که ممکن بود در یک جامعه با مالکیت اشتراکی داشته‌باشند (Rothbard, 1978: 235). در این ارتباط، به عقیده رابرت نوزیک تنها نقش مشروع حکومت عمل در قالب یک «نگهبان شب» برای حمایت از حقوق مالکیت و حفظ آزادی افراد است (Sherman, 1995: 423). فون هایک به بهبود وضعیت جامعه و اقتصاد از طریق دخالت دولت بدبین بود. وی از گسترش بخش خصوصی به دلیل حمایت از آزادی افراد ستایش کرد و بر توانایی آن برای فرآوری و انتقال حجم گسترده‌ای از اطلاعات درباره اولویت‌های افراد، میزان دسترسی به منابع و تکنولوژی تأکید می‌کرد. هایک بر پایه عدم اطمینان به خرد انسانی با همه فعالیت‌های دولت مخالفت می‌کرد و چنین استدلال می‌کرد که سیاستمداران و بورکرات‌ها نمی‌توانند

خود، خود را با تغییرات و تحولات سازگار کنند. این مدل حکمروایی به نحو بازی مدل حکمروایی نخبه‌گراست و در آن مشارکت محدود برای ممانعت از تداخل اهداف توزیعی در حکمروایی ضرورت پیدا می‌کند. حکمروایی طرفدار رشد، رشد اقتصادی را به‌عنوان هدف عمده مدنظر دارد که به شکل آرمانی باید طولانی‌مدت و پایدار باشد بسترسازی برای جلب سرمایه‌گذاری از الزامات این مدل حکمروایی است (Pagano & Bowman, 1997: 31). نهایت اینکه، حکمروایی رفاهی متعلق به آن دسته از سکونتگاه‌های انسانی است که روزگاری از اثرات ناشی از صنعتی‌شدن متأثر بوده‌اند؛ اما در حال حاضر به دلیل سرمایه‌گذاری اندک و برون‌رفت سرمایه با بحران‌های اقتصادی از جمله رکود مواجه هستند. در این مدل آنچه که بیشتر مورد تأکید قرار می‌گیرد، سیاست‌های توزیعی با توسل و اتکای به منابع رانته دولتی و شبه‌دولتی است. اعضای درگیر و مرکزی در حکمروایی رفاهی مقامات حکومت محلی و مقامات دولتی (ملی) و بروکرات‌ها هستند و پیوند بین نهادهای محلی و ملی امکان موفقیت این نوع مدل را به موفقیت نزدیک‌تر می‌سازد. تاکنون مطالعات چندی در سطح کشور و در سطح جهان در خصوص حکمروایی روستایی صورت گرفته که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

رکن‌الدین افتخاری و همکاران (۱۳۹۰)، در مطالعه‌ای که با عنوان «تبیین رابطه رهیافت حکمروایی خوب و توسعه پایدار روستایی در مناطق روستایی استان مازندران» انجام داده‌اند، به این نتایج دست یافته‌اند که رهیافت حکمروایی خوب روستایی به منظور تحرک بخشیدن به ظرفیت‌های درونی مناطق روستایی، از طریق تلاش برای ارتقای عرضه با تکیه بر منابع محلی مناطق روستایی و نیز ایجاد توسعه نهادهای

اجتماعی دولت صرفاً می‌تواند از سنت‌ها حمایت کند و از طریق ایفای نقش به‌عنوان نماد وحدت ملی و ایجاد یک فضای اخلاقی که موجب پیشرفت شهروندان بافضیلت است، نهادهای موجود را حفظ کند. در کل پرورش و بالندگی و تکامل دیدگاه‌های فوق‌زمینه بسط و گسترش حکمروایی خوب را فراهم‌آورد.

بررسی اسناد حاکی از این واقعیت است که چهار مدل در خصوص حکمروایی خوب محلی مطرح است که به مدل‌های مدیریتی^۱، شراکت‌گرا^۲، طرفدار رشد^۳ و رفاهی^۴ تقسیم می‌شوند. در این ارتباط، مطابق مدل مدیریتی فرض بر این است که برای اداره امور جامعه، رسالت دولت به جای پارو زنی، سکنداری است. به این دلیل که توزیع خدمات به شهروندان سکونتگاه‌های انسانی اعم از شهر و روستا، به‌مثابه پارو زنی است و دولت برای این مهم چندان گزینه مطلوبی نیست (سروستانی، ۱۳۸۶: ۱۵). مطابق با دیدگاه حکمروایی شراکت‌گرا، حکومت محلی نظامی سیاسی و دموکراتیک در راستای ادغام گروه‌های اجتماعی و منافع سازمان‌یافته در فرایند سیاسی سکونتگاه‌های انسانی است. در خصوص این مدل حکمروایی، ایده دموکراسی محلی مشارکتی دارای اهمیت است؛ زیرا در قالب آن منافع مختلف امکان بروز و ظهور می‌یابند (Herns & Stelvic, 1983: 21). در خصوص حکمروایی طرفدار رشد باید گفت که یکی از دغدغه‌های امروز افراد، سازمان‌ها، سکونتگاه‌های انسانی و ملت‌ها، رقابت برای جلب منافع اقتصادی است. نخبگان سیاسی و اقتصادی سکونتگاه‌های انسانی اعم از شهر و روستا، تابع مطلق سیاست‌ها و تصمیمات ملی اقتصادی نیستند؛ بلکه سعی و مساعی فراوان از خود به خرج می‌دهند تا با توجه به فرصت‌ها و محدودیت‌های سکونتگاه‌های

رقابت در حوزه سیاسی و اقتصادی و همچنین پاسخگویی بیشتر دولت، دو راهبرد اصلی حکمروایی خوب است. به باور نکوم (۲۰۰۲)، بین حکمروایی خوب روستایی و کاهش فقر رابطه وجود دارد؛ به این دلیل که با اعمال حکمروایی خوب و از حاشیه درآوردن روستاییان و کشاندن آن‌ها به بطن و متن تصمیم‌گیری‌های فعالیت‌های توسعه‌ای روستا زمینه دسترسی آنان به سرمایه و منابع مالی و اعتبارات فراهم شده و متعاقب آن فقر و بیکاری تقلیل یافته و زمینه اشتغال روستاییان فراهم شده است و به دنبال آن رضایتمندی روستاییان فراهم می‌شود.

آتکینسون، در مطالعات خود دریافت که متغیرهای مشارکت اجتماعی، کارآیی و اثربخشی از متغیرهای تأثیرگذار در مدیریت محلی روستایی محسوب می‌شود (Atkinson, 2004: 56).

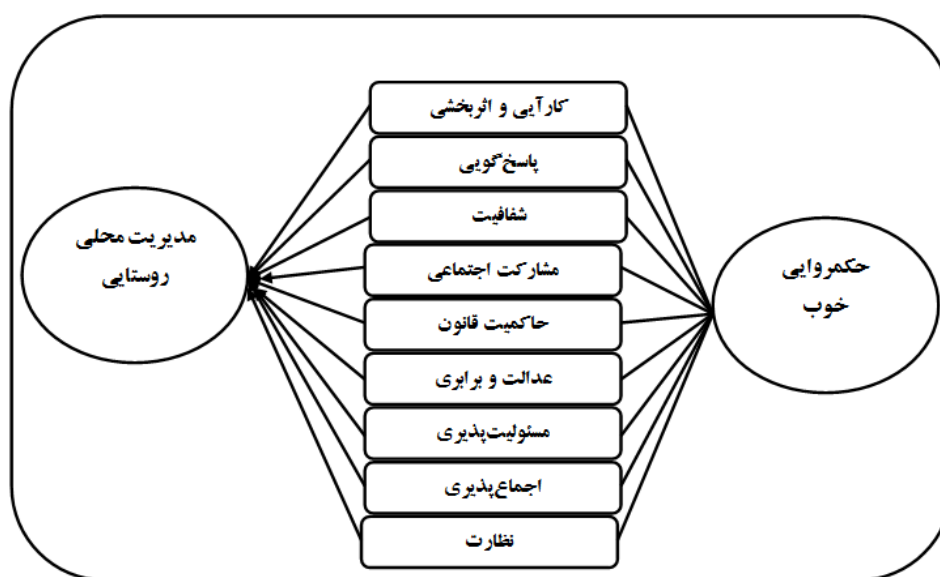
به عقیده گادوین، بین پاسخگویی، شفافیت و عدالت و برابری و مدیریت محلی روستایی رابطه وجود دارد (Goodwin, 2006: 10-11). مطالعات بانگ جهانی گویای این واقعیت است که بهبود مدیریت محلی روستایی تابعی از تحقق حاکمیت قانون، اجماع‌پذیری و نظارت است (World Bank, 2012: 36). همچنین مطالعات اوکسانا (۲۰۱۳) نشان داد که متغیرهای مسئولیت‌پذیری، انعطاف‌پذیری و اجماع‌پذیری مهم‌ترین متغیرهای مؤثر بر مدیریت محلی روستایی هستند (Oksana, 2013: 145-148).

در پایان، مدل مفهومی پژوهش با توجه به ادبیات تحقیق و پیش‌نگاشته‌های موضوع در شکل (۱)، ترسیم شده است.

مؤثر و کارا در توسعه روستایی به مثابه رمز اصلی تحقق توسعه استوار شده است و نیز حکمروایی خوب روستایی، پیش‌شرطی برای توسعه پایدار روستایی، شمرده می‌شود؛ زیرا عدم تمرکز، مدیریت منابع روستایی، مشارکت همگانی، شراکت بین دولت و جامعه مدنی و بخش خصوصی، ابزارهای اصلی پاسخگویی به نیازهای اجتماعی و اقتصادی و محیطی قلمداد می‌شوند.

دربان آستانه و همکاران (۱۳۸۹)، در پژوهشی دیگر به ارزیابی و تحلیل حکمروایی روستایی در حکومت‌های محلی و بررسی عوامل مؤثر بر آن پرداختند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که نمایه حکمروایی روستایی در حکومت‌های محلی مورد مطالعه در وضعیت متوسطی قرار دارد.

جاسبی و نفری (۱۳۸۷)، در پژوهشی با عنوان «الگوی حکمرانی خوب: رهیافتی فرایندی-سیستمی» با یک نگاه کلان و سیستماتیک به بیان تعاریف ویژگی‌های حکمروایی خوب پرداخته و جنبه‌های گوناگون این پدیده جنبه چندبعدی را تعیین کرده‌اند. پژوهش آن‌ها با آغاز رهیافت فرایند سیستمی، حکمروایی خوب را ترکیبی از ویژگی‌های درون‌داد، فرایند، برونداد، پیامد و آثار می‌داند و بر تأثیر متعادل و متقابل اجرای سیستم بر یکدیگر تأکید می‌کند. وجود ضعف و نقص در هر یک از اجرای سیستم نمایانگر ضعف حکمروایی است. میدری (۱۳۸۵) در مقاله‌ای به بررسی الگوی حکمروایی خوب پرداخته و به این نتایج دست‌یافته است: کاهش مداخله دولت، لزوماً عملکرد بهتر وضعیت اقتصادی را به ارمغان نمی‌آورد و برای دستیابی به توسعه باید نقاط ضعف دولت و راه‌های کاهش آن در قانون سیاست‌ها قرار گیرد. افزایش



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

تهیه و ترسیم: نگارنده، ۱۳۹۶

تحقیق، به صورت پیمایشی (داده‌های اولیه) و ابزار مورد استفاده در روش پیمایشی پرسش‌نامه و مصاحبه بوده‌است.

جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش، شامل کل روستاییان بالای ۱۵ سال ساکن در مناطق روستایی شهرستان مشگین‌شهر به تعداد ۱۹ روستاست (۹۰۳۵۹=N) که از این میان تعداد ۳۸۳ نفر با استفاده از فرمول کوکران به روش تصادفی ساده به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. انتخاب روستاهای نمونه تحقیق، با در نظر گرفتن تعداد کل روستاها، تعداد جمعیت، دوری و نزدیکی به شهر و قرارگیری روستا در کنار جاده اصلی یا دور از جاده اصلی، تعداد روستاهای نمونه تحقیق براساس نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای همان‌طوری که ذکر آن رفت، داده‌های خام برای اندازه‌گیری شاخص‌ها از طریق مصاحبه، پرسش‌نامه، اسناد و مدارک گردآوری شد. روایی صوری پرسش‌نامه توسط پانل متخصصان تأیید شد.

وجه تمایز این پژوهش با پژوهش‌های دیگر، پیرنگ‌شدن اثرات حکروایی در مدیریت محلی روستایی است. این در حالی است که پژوهش‌های قبلی، بیشتر ارتباط حکروایی خوب با کاهش فقر و توسعه مناطق روستایی را مدنظر قرار داده‌است و نگاه مدیریتی را خیلی کم‌رنگ ترسیم کرده‌اند. به این دلیل در تحقیق حاضر، چارچوب نظری تحقیق طوری سامان‌دهی و طراحی شده‌است که بهبود مدیریت محلی مبتنی بر شاخص‌های حکروایی خوب مورد ارزیابی قرار گرفته‌است و فقط مانند مطالعات قبلی ارتباط دو متغیر حکروایی و توسعه مناطق روستایی مورد بحث و بررسی قرار نگرفته‌است.

روش‌شناسی تحقیق تحقیق

هدف این تحقیق ارزیابی الگوی مدیریت محلی مبتنی بر شاخص‌های حکروایی خوب در مناطق روستایی شهرستان مشگین‌شهر است. در این تحقیق روش گردآوری داده‌ها برای پاسخگویی به سؤالات

مشارکت کم و پیش‌آشکار جوامع روستایی در حیات اقتصادی، گذران اوقات و فراغت، فرهنگ، تقبل مسئولیت‌های سیاسی و مدنی و غیره در مناطق روستایی است. علاوه بر این، حاکمیت قانون یا قانون‌مندی در تصمیم‌گیری روستایی، وجود قوانین کارآمد، رعایت عادلانهٔ چاقوب‌های قانونی در تصمیم‌گیری و مداخله نکردن افراد غیرمسئول در تصمیم‌گیری‌هاست. همچنین عدالت و برابری به معنی ایجاد فرصت‌های مناسب و برابر برای همهٔ شهروندان روستایی به‌منظور ارتقای وضعیت رفاهی خود، تلاش برای تخصیص و توزیع عادلانهٔ منابع و مشارکت اقشاری است که در فرایند اعلام‌نظر و تصمیم‌گیری نقشی ندارند. همچنین، مسئولیت‌پذیری بیانگر احساس و عملی است که افراد در چارچوب موقعیت و نقش‌های خود به‌طور آگاهانه و آزادانه نسبت به امور گوناگون اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و غیره از خود بروز می‌دهند. درنهایت، اجماع‌پذیری به معنای توافقی عام میان اعضای یک گروه است که با در نظر گرفتن آرای هر یک از افراد، چه در مرحلهٔ تصمیم‌سازی و چه در اقدامات پیرو آن به‌دست می‌آید. در خاتمه، نظارت به داشتن استراتژی مشخص و نگاه راهبردی در جهت نیل به پایداری، توسعه و پیشرفت مناطق بامشارکت شهروندان از طریق فراهم‌آوردن حس مالکیت و مسئولیت‌پذیری بین آن‌ها اشاره دارد (رکن‌الدین/فتخاری و همکاران، ۱۳۹۰؛ سردارنیا، ۱۳۹۰؛ قدیری معصوم و ریاحی، ۱۳۸۳؛ رحمانی فضلی و همکاران، ۱۳۹۶؛ Kardos, 2013; Atkinson, 2004; Goodwin, 2006)

مطالعه راهنما در منطقهٔ مشابه جامعهٔ آماری با تعداد ۳۰ پرسش‌نامه صورت‌گرفت و با داده‌های به‌دست‌آمده و استفاده از فرمول ویژهٔ کرونباخ آلفا در نرم‌افزار SPSS، پایایی بخش‌های مختلف پرسش‌نامهٔ تحقیق ۰/۷۲ الی ۰/۹۴ به‌دست آمد و ابزار جمع‌آوری داده پرسش‌نامه بوده است. علاوه بر این، برای سنجش حکمروایی خوب محقق با توجه به سؤالات تحقیق به تهیه و تنظیم پرسش‌نامه با توجه به اهداف تحقیق مبادرت ورزید. مؤلفه‌های حکمروایی شامل (انعطاف‌پذیری، کارآیی و اثربخشی، پاسخگویی، شفافیت، مشارکت اجتماعی، حاکمیت قانون، عدالت و برابری، مسئولیت-پذیری، اجماع‌پذیری و نظارت)، مناطق روستایی است. در این نوشتار، متغیر حکمروایی خوب در ۸۵ گویه به شیوهٔ خودسنجی با طیف پنج گزینه‌ای لیکرت (هیچ = ۰، کم = ۱، متوسط = ۲، زیاد = ۳ و خیلی زیاد = ۴) اندازه‌گیری شد. در تبیین حکمروایی خوب روستایی، فضای مفهومی تبیین‌کننده به شرحی که در ادامه می‌آید، تعریف و در جدول (۱)، از طریق گویه‌های مناسب عملیاتی شده‌اند.

کارآیی و اثربخشی عبارت است از، درجه و میزان نیل به اهداف تعیین‌شده. به بیان دیگر، اثربخشی نشان می‌دهد که تا چه میزان از تلاش‌های انجام‌شده نتایج موردنظر حاصل شده است. افزون بر این، پاسخگویی به مشارکت گستردهٔ مردم، احزاب و رسانه‌ها در فرایند حکومت‌داری اشاره دارد و نیز شفافیت به معنای گردش آزاد اطلاعات و سهولت دسترسی به آن‌ها، وضوح اقدامات و آگاهی مستمر شهروندان روستایی از روندهای موجود است. علاوه بر این، مشارکت اجتماعی،

جدول ۱: شاخص‌ها و متغیرهای مورد استفاده در پژوهش

منبع	الفای کرونیخ	گویه‌ها	شاخص‌های حکمرانی خوب
(امیدیان و همکاران، ۱۳۹۴؛ جاسبی، ۱۳۸۷ و رکن‌الدین‌افتخاری و همکاران، ۱۳۹۰)	۰/۸۴	توجه دولتی به عمران روستایی، کیفیت عملکرد مسئولان روستایی، وجود مکانیزم و روشی برای ارزیابی خدمات دولتی توسط مردم، ارائه چشم‌اندازی از وضعیت آینده به روستاییان، دائمی و مستمر بودن فعالیت‌های مدیریت روستا، بهبود روش‌ها و اقدامات براساس دانش جدید، بهبود شیوه امور، در نظر داشتن رضایت، مشارکت مردم، کاهش هزینه‌ها و ارتقای کیفیت خدمات، رضایت‌مندی اهالی روستا از اقدامات مدیریت روستا، پوشش خدمات در سطح روستا، واگذاری ارائه خدمات به بخش‌های دیگر جامعه، مؤثر بودن اقدامات مدیریت روستا برای دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده و مؤثر بودن روند فعالیت‌های مدیریت روستا.	کارآیی و اثربخشی
(رحمانی‌فضلی و همکاران، ۱۳۹۶؛ سردارنیا، ۱۳۹۰؛ Atkinson, 2004)	۰/۸۶	اطلاع‌رسانی عمومی قراردادها، ارائه معیار و ملاکی مکتوب برای مقایسه عملکرد مسئولان با وظایفشان، وجود مؤسسه‌ای برای رسیدگی به شکایات اداری، پاسخگویی مدیریت روستا به وظایف خود، برگزاری جلسات عمومی برای تشریح اقدامات، رضایت‌مندی از پاسخگویی مدیریت روستا، ایجاد سازوکاری برای انتقال نیازها و خواسته‌های اهالی روستا به مسئولان رده بالا، پاسخ قانع‌کننده مدیران روستا به مردم، رو راست بودن مدیران روستا در ارائه برنامه‌ها، تشکیل جلسات عمومی برای جریان قرار دادن اهالی روستا، پاسخگو بودن مدیران روستا به عنوان یک اصل و باور، نبود فعالیت‌های خودسر و بی‌مسئولیت، جذب مشارکت از طریق پاسخگویی مدیران روستا، همبستگی بین مردم و مسئولان از طریق پاسخگویی مدیران.	پاسخگویی
(Esty, 2006, Godwin,) 2006, Murdoch & Abram, 1998)	۰/۸۸	شفافیت در تصمیم‌گیری، شفافیت در ارائه عملکرد، صداقت در دادن اطلاعات، نظرخواهی از مردم نسبت به طرح‌های توسعه روستایی، مصمم بودن به اجرای تصمیمات گرفته شده، اظهار نظر روستاییان نسبت به عملکرد مدیریت توسعه روستایی.	شفافیت
(میدری، ۱۳۸۵؛ عمادی و دربان آستانه، ۱۳۸۳ و قدیری معصوم و ریاحی، ۱۳۸۳)	۰/۷۲	برقراری روابط انسانی، کمک به افراد روستایی در ساخت مسکن، استقبال از مشارکت در فرایند بازسازی زیرساخت‌ها، تمایل به مشارکت در دوره‌های آموزشی، میزان مشارکت در طرح‌های عمرانی، میزان شرکت در انتخابات شوراهای اسلامی روستا، تمایل به عضویت در پایگاه بسیج، تمایل به عضویت در تعاونی‌های تولید و تمایل به همکاری با دهیار روستا.	مشارکت اجتماعی
(Xia, 2012, Oksana,) 2013)	۰/۷۴	حساب‌رسی مسئولان دولتی از دهیاران و شوراهای، کیفیت برخورد با تخلفات، عمل دهیاران و شوراهای براساس اصول قانونی محوله به آن‌ها، اعتماد مردم به دهیاران و شوراهای در انجام وظایف قانونی خود، پارتی‌بازی و غیره در کارهای اداری مرتبط به روستا، تأثیرگذاری نیروهای صاحب‌نفوذ در تصمیم‌گیری‌های مرتبط به روستا (سنجش فساد)، شرکت افراد ذی‌نفع در مدیریت روستا، میزان پایبندی اهالی روستا به قوانین و مقررات وضع شده، پایبندی مدیریت روستا به حقوق اهالی روستا، آگاهی و اطلاع مدیریت روستا از حقوق شهروندی روستاییان، پایبندی مدیریت روستا به عرف و آداب و رسوم روستا، التزام مدیریت روستا به برابری در مقابل قانون، آگاهی مدیریت روستا از حقوق مکان زندگی و مقاومت مدیریت روستا در برابر رفتارهای خلاف قانون اهالی روستا.	حاکمیت قانون

ادامه جدول ۱

منبع	آلفای کرونباخ	گویه‌ها	شاخص‌های حکمروایی خوب
(رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۹۰؛ دباغ، ۱۳۸۸؛ احتشامی، ۱۳۸۴)	۰/۷۷	وجود سند یا منشوری مکتوب در جهت آگاهی روستاییان از حقوق خود، فراهم کردن زمینه برای ایفای نقش زنان در فعالیت‌های گوناگون و ورود آن‌ها در امور مدیریتی روستا، چگونگی حمایت از اقشار فقیر و آسیب‌پذیر در روستا، عدالت در توزیع برابر و عادلانه امکانات روستا، عدم پارتی‌بازی و حق و ناحق کردن، دسترسی به فرصت‌های برابر و یکسان، انجام طرح‌های روستا در زمان تعیین شده، توجه به منافع جمعی، فراهم شدن حقوق شهروندی، عضویت زنان در مدیریت روستا، استفاده معقولانه از منابع و امکانات و عدالت جنسیتی.	عدالت و برابری
(رحمانی فضلی و همکاران، ۱۳۹۶؛ Kardos, 2013 & Atkinson, 2004)	۰/۸۱	مسئولیت‌پذیری با مؤلفه‌های رعایت هنجارها و قوانین، نوع دوستی، مشارکت اجتماعی، احترام به ارزش‌ها، نمادها و الگوهای فرهنگ ملی و ارزش سایر اقوام، آگاهی و مشارکت سیاسی، حضور فعالانه و نه منفعلانه در صحنه سیاسی، رعایت عدالت در مبادله و صرفه‌جویی در مصرف در راستای منافع جمعی، توجه به اهمیت منابع طبیعی پایه و گونه‌های گیاهی و جانوری و کاهش رفتار آسیب‌زا به محیط زیست و تلاش برای بهبود آن.	مسئولیت‌پذیری
(Bemile, 1979 & Meehan, 2004)	۰/۹۱	زمینه لازم برای دستیابی به توافق جمعی، استقبال مسئولان برای دستیابی به اجماع نظر، اجماع عمومی در رابطه با اقدامات و فعالیت‌ها در روستا، وجود نظامی هماهنگ برای رسیدن به اجماع و توافق، کار مشارکتی، موفقیت فعالیت‌های گروهی، همسویی و هم‌فکری مدیران روستا و اهالی روستا، هم‌فکری مدیریت روستا با سایر سازمان‌ها و نهادهای روستایی، توافق جمعی بیشتر در نتیجه تعامل مدیریت روستا با نهادهای دولتی، حمایت از منافع اکثریت نیروها و طبقات اجتماعی و ایجاد سازوکاری برای مشورت بین سازمان‌های رسمی توسعه روستایی و روستاییان.	اجماع‌پذیری
(قدیری معصوم و ریاحی، ۱۳۸۳ و شاه‌آبادی و پورجوان، ۱۳۹۱)	۰/۹۴	وجود سازوکاری برای ارزیابی خدمات دولتی توسط مردم، در نظر گرفتن بهبود شیوه امور توسط روستاییان، اظهار نظر روستاییان نسبت به عملکرد مدیریت توسعه روستایی، مشارکت در فرایند بازسازی زیرساخت‌ها، مطلع شدن مردم روستا از قوانین و مقررات وضع شده، آشنایی روستاییان با حقوق شهروندی خود و اطلاع‌رسانی به روستاییان پیرامون اقدامات و فعالیت‌ها در روستا.	نظارت

مأخذ: نگارنده، ۱۳۹۶

شده‌است. این شهرستان دارای ۵ شهر به نام رضی، لاهرود، مشگین‌شهر، فخرآباد و مرادلو است. همچنین، شهرستان مشگین‌شهر دارای پنج بخش، ۱۲ دهستان (دهستان دشت، شعبان، مشگین شرقی، مشگین غربی، ارشق شمالی، ارشق مرکزی، قره‌سو، لاهرود، نقدی، ارشق غربی، صلوات و یافت)، ۳۲۹ آبادی دارای سکنه و ۷۷ آبادی خالی از سکنه است. همچنین، به لحاظ اوضاع طبیعی، ۶۹ روستای شهرستان مشگین‌شهر از نوع

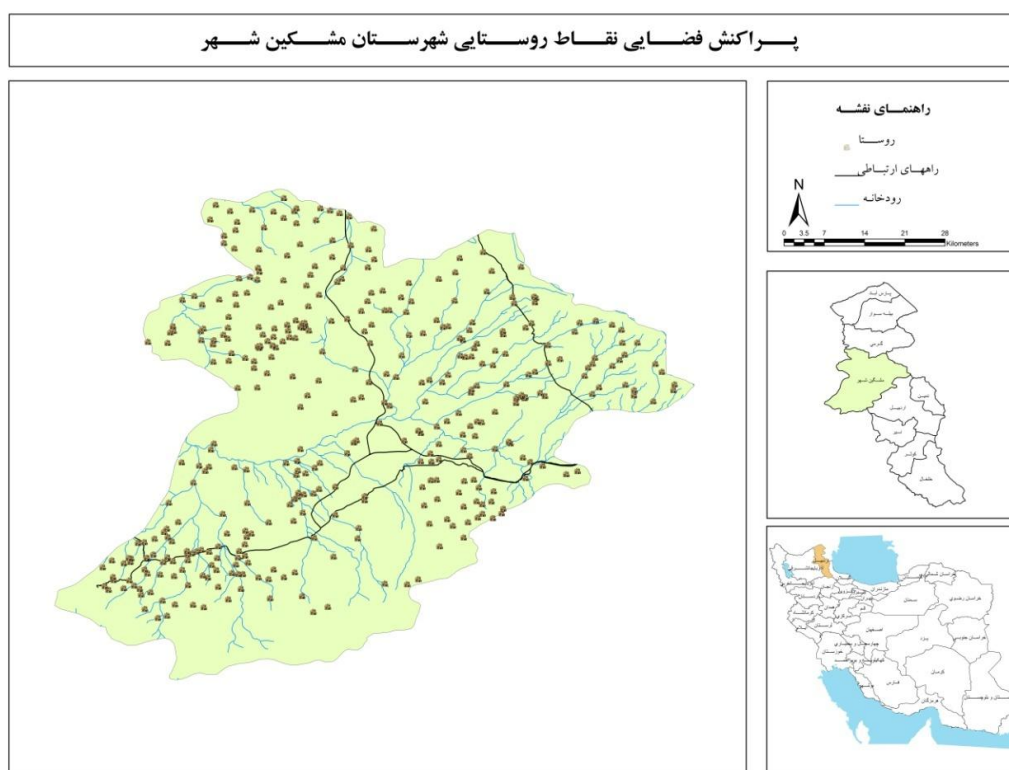
در پژوهش حاضر برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار و ضریب تغییرات) و آمار استنباطی شامل آزمون F و t استفاده شده‌است و همه محاسبات آماری این پژوهش با نرم‌افزار SPSS، انجام گرفته‌است.

معرفی منطقه مورد مطالعه

شهرستان مشگین‌شهر، یکی از شهرستان‌های استان اردبیل است که در غرب این استان واقع

همچنین، از جمعیت ساکن در نقاط روستایی شهرستان، ۷۶۵۵۷ نفر را مردان و ۸۰۴۵۸ را زنان تشکیل داده‌اند. درنهایت، نسبت جنسی نشان می‌دهد که در مقابل هر ۱۰ نفر زن، ۵۹ نفر مرد وجود داشته‌است. نقشه (۱) پراکنش نقاط روستایی محدوده مورد مطالعه را نشان می‌دهد.

جلگه، ۱۴۸ روستا از نوع کوهستانی، ۹۷ روستا از نوع جلگه‌ای کوهستانی، ۸ روستا از نوع جلگه‌ای- جنگلی و ۷ روستا از نوع کوهستانی- جنگلی است. افزون‌بر این، جمعیت شهرستان ۲۲۵۴۶۵ نفر بوده‌است که از این تعداد ۶۸۴۵۰ نفر ساکن در نقاط شهری و ۱۵۷۰۱۵ نفر ساکن در نقاط روستایی بوده‌اند.



نقشه ۱: پراکنش نقاط روستایی شهرستان مشگین‌شهر

تهیه و ترسیم: حیدری ساریان، ۱۳۹۴

بررسی وضعیت تأهل نیز نشان داد که ۵۶/۶۵ درصد (۲۱۷ نفر) متأهل و ۴۳/۳۴ درصد (۱۱۶ نفر) در تحقیق حاضر مجرد هستند. بررسی ابعاد اعضای خانوار نیز مشخص کرد، محدوده سنی ۴ الی ۶ با ۳۸/۱۲ درصد در بالاترین رده و محدوده سنی بالای ۱۰ با ۹/۳۹ درصد در پایین‌ترین رده قرار دارند.

یافته‌های تحقیق

الف) یافته‌های توصیفی

- ویژگی‌های فردی نمونه مورد مطالعه

مطابق جدول (۲)، یافته‌های توصیفی تحقیق گویای این واقعیت است که نمونه آماری مورد مطالعه برحسب گروه سنی، در محدوده سنی ۱۵ الی ۷۳ قرار دارند.

جدول ۲: توزیع فراوانی روستاییان مورد مطالعه برحسب گروه سنی، وضعیت تأهل و تعداد اعضای خانوار

ردیف	گروه سنی	فراوانی	درصد
۱	۲۰ سال و کمتر	۸۵	۲۲/۱۹
۲	۲۱-۳۰	۹۷	۲۵/۳۲
۳	۳۱-۴۰	۱۰۵	۲۷/۴۱
۴	۴۱ سال و بالاتر	۹۶	۲۵/۰۶
جمع		۳۸۳	٪۱۰۰
وضعیت تأهل			
۱	مجرد	۱۶۶	۴۳/۳۴
۲	متاهل	۲۱۷	۵۶/۶۵
۳	جمع	۳۸۳	٪۱۰۰
تعداد اعضای خانوار			
۱	۰-۳	۹۰	۲۳/۴۹
۲	۴-۶	۱۴۶	۳۸/۱۲
۳	۷-۹	۱۱۱	۲۸/۹۸
۴	بالای ۱۰	۳۶	۹/۳۹
۵	جمع	۳۸۳	٪۱۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶

همان‌طور که جدول (۳) نشان می‌دهد، از میان ۳۸۳ نفر نمونه آماری مورد مطالعه، ۹۰ نفر بی‌سوادند (۲۳/۴۹ درصد). ۱۱/۷۴ درصد با آموزش نهضت سوادآموزی توانایی خواندن و نوشتن دارند. ۸۵ نفر (۲۲/۱۹ درصد) در مقطع ابتدایی تحصیل کرده‌اند و ۸۲ نفر (۲۱/۴ درصد) در مقطع راهنمایی و ۴۱ نفر (۱۰/۷ درصد) در مقطع متوسطه تحصیل کرده‌اند. ۴۰ نفر (۱۰/۴۴ درصد) نیز مدرک دیپلم دارند. همچنین می‌توان گفت که ۴۲/۵۴ درصد از نمونه آماری مورد مطالعه، تحصیلات قابل توجهی ندارند، بی‌سواد و کمی سواد هستند.

جدول ۳: توزیع فراوانی روستاییان مورد مطالعه برحسب گروه سنی، وضعیت تأهل و تعداد اعضای خانوار

ردیف	سطح تحصیلات	فراوانی	درصد
۱	بی‌سواد	۹۰	۲۳/۴۹
۲	خواندن و نوشتن	۴۵	۱۱/۷۴
۳	ابتدایی	۸۵	۲۲/۱۹
۴	راهنمایی	۸۲	۲۱/۴
۵	متوسطه	۴۱	۱۰/۷
۶	دیپلم و بالاتر	۴۰	۱۰/۴۴
۷	جمع کل	۳۸۳	٪۱۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳

ویژگی‌های متغیرهای تحقیق

نتایج به‌دست‌آمده از یافته‌های توصیفی تحقیق در جدول (۴) نشان می‌دهد که درخصوص متغیر مشارکت اجتماعی، وضعیت ۴۰/۸ درصد پاسخگویان

در سطح زیاد و خیلی‌زیاد و ۳۱/۹ درصد در سطح خیلی‌کم و کم برآورد شد. درباره متغیر پاسخگویی، وضعیت ۲۶/۷۲ درصد از پاسخگویان در سطح زیاد و خیلی‌زیاد و ۲۶/۷۲ درصد در سطح کم و خیلی‌کم

وضعیت ۱۷/۳۳ درصد از پاسخگویان در سطح زیاد و خیلی زیاد و ۵۸/۰۴ درصد در سطح کم و خیلی کم برآورد شد. در مورد متغیر کارآیی و اثربخشی، وضعیت ۵۹/۶۵ درصد از پاسخگویان در سطح زیاد و خیلی زیاد و ۳۵/۶۸ درصد در سطح کم و خیلی کم برآورد شد. در مورد متغیر مسئولیت پذیری، وضعیت ۴۲/۹۲ درصد از پاسخگویان در سطح زیاد و خیلی زیاد و ۳۱/۹۹ درصد در سطح کم و خیلی کم برآورد شد.

برآورد شد. درباره متغیر شفافیت، وضعیت ۴۹/۸۳ درصد از پاسخگویان در سطح زیاد و خیلی زیاد و ۲۴/۴۸ درصد در سطح کم و خیلی کم برآورد شد. درباره متغیر اجماع محوری، وضعیت ۵۴/۳۹ درصد از پاسخگویان در سطح زیاد و خیلی زیاد و ۲۱/۹۷ درصد در سطح کم و خیلی کم برآورد شد. در مورد متغیر قانون مندی، وضعیت ۵۴/۴۵ درصد از پاسخگویان در سطح زیاد و خیلی زیاد و ۳۴/۲۹ درصد در سطح کم و خیلی کم برآورد شد. در مورد متغیر عدالت و برابری،

جدول ۴: درصد فراوانی، میانگین و انحراف معیار متغیرهای مستقل

انحراف معیار	میانگین	درصد پاسخگویان					میانگین	ردیف
		خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم		
۵/۳۳	۷/۰۷	۱۹/۹۵	۲۰/۸۵	۲۷/۲۹	۱۴/۲۳	۱۷/۶۷	۱	مشارکت اجتماعی
۱۱/۳۲	۱۱/۵	۸/۲۰	۱۸/۵۲	۱۴/۱۱	۳۱/۰۵	۲۸/۱۲	۲	پاسخگویی
۲/۰۸	۹/۹۸	۲۳/۲۸	۲۶/۵۵	۲۵/۶۹	۱۷/۱۶	۷/۳۲	۳	شفافیت
۱/۰۵	۴/۳۶	۳۳/۵۶	۲۰/۸۳	۲۳/۶۴	۳/۳۱	۱۸/۶۶	۴	اجماع محوری
۱/۹۸	۴/۶۹	۳۳/۸۶	۲۰/۵۹	۱۱/۲۶	۱۵/۸۲	۱۸/۴۷	۵	قانون مندی
۷/۵۵	۳/۰۵	۱۰/۶۱	۶/۷۲	۲۴/۶۳	۲۹/۴۱	۲۸/۶۳	۶	عدالت و برابری
۸۵/۱۰	۶/۰۹	۲۵/۳۳	۳۴/۳۲	۴/۲۵	۱۵/۷۲	۱۹/۹۶	۷	کارآیی و اثربخشی
۲/۶۵	۸/۰۵	۲۶/۳۶	۱۶/۵۶	۲۵/۲۹	۱۶/۳۲	۱۵/۶۷	۸	مسئولیت پذیری

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶

مقدار خطا (۰/۰۵) است؛ بنابراین در سطح معناداری ۹۵ درصد فرض صفر پذیرفته می‌شود؛ یعنی توزیع این نمونه، نرمال است؛ از این رو می‌توان برای بررسی روابط بین متغیرهای تحقیق از آزمون‌های آماری پارامتریک استفاده کرد.

ب) یافته‌های استنباطی

مطابق با جدول (۵)، نتایج به دست آمده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف حاکی از این واقعیت است که همه متغیرهای تحقیق از توزیع نرمال برخوردار هستند. همچنین همان‌طور که مشاهده می‌شود، مقدار سطح معناداری در همه متغیرها بزرگ‌تر از

جدول ۵: نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرونوف

نتیجه‌گیری	آماره کولوگروف-اسمیرونوف	میزان خطا	سطح معناداری	متغیر
نرمال	۱/۱۲۴	۰/۰۵	۰/۱۰۱	مشارکت اجتماعی
نرمال	۱/۳۲۱	۰/۰۵	۰/۱۲۴	پاسخگویی
نرمال	۱/۱۷۵	۰/۰۵	۰/۱۱۴	شفافیت
نرمال	۱/۲۱۱	۰/۰۵	۰/۱۰۹	اجماع محوری
نرمال	۱/۰۹۱	۰/۰۵	۰/۷۵۸	قانون‌مندی
نرمال	۱/۱۷۲	۰/۰۵	۰/۲۵۳	عدالت و برابری
نرمال	۱/۲۳۲	۰/۰۵	۰/۱۳۲	کارآیی و اثربخشی
نرمال	۱/۲۱۴	۰/۰۵	۰/۱۹۵	مسئولیت‌پذیری

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶

مثابه شاخص‌هایی که از کارکرد بیشتری در شکل‌گیری الگوی مطلوب مدیریت محلی داشته‌اند و برای نشان دادن زیرمجموعه‌های همگن با میانگین آن‌ها، از آزمون‌های تعقیبی توکی^۱ استفاده شده‌است.

با توجه به جدول (۶)، از آنجایی که مقدار آماره F برابر با ۲۹/۵۴ با سطح معناداری ۰/۰۰۰ است، حکایت از تفاوت معنی‌داری میان شاخص‌ها دارد. افزون‌بر این، به‌منظور نشان‌دادن تفاوت میان شاخص‌های مشارکت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری به

جدول ۶: تحلیل واریانس مقایسه میانگین شاخص‌های حکمروایی مطلوب روستایی در مدیریت محلی

منبع واریانس	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	مقدار p
میان‌گروهی	۳۱/۳۲	۵	۳۷۵/۸	۲۹/۵۴	۰/۰۰۰
درون‌گروهی	۴۸/۶۵	۴۱۱	۰/۲۶۵	-	-
جمع کل	۷۹/۹۷	۴۱۶	-	-	-

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶

جدول ۷: زیر مجموعه‌های همگن با به‌کارگیری آزمون توکی

شاخص	تعداد	آلفای زیرمجموعه‌ها - ۰/۰۵			
		۱	۲	۳	۵
مشارکت اجتماعی	۴۷	۵/۲۵۳	-	-	-
پاسخگویی	۴۷	۵/۶۲۵	۵/۶۲۵	-	-
شفافیت	۴۷	۵/۳۹۶	۵/۳۹۶	-	-
اجماع محوری	۴۷	۵/۹۸۵	۵/۹۸۵	-	-
قانون‌مندی	۴۷	-	۵/۶۸۵	۵/۶۸۵	-
عدالت و برابری	۴۷	-	-	۵/۱۵۹	۶/۶۲۵
کارآیی و اثربخشی	۴۷	-	-	-	۶/۸۵۷
مسئولیت‌پذیری	۴۷	-	-	-	-

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶

مناطق روستایی شهرستان مشگین‌شهر در ارتباط با شاخص پاسخگویی در وضعیت مطلوبی قرار دارد.

۳. شاخص کارایی و اثربخشی: مطابق جدول (۷)، در ارتباط با شاخص کارایی و اثربخشی بین حد متوسط گویه‌ها و میانگین وضع موجود به میزان ۱/۴ مقدار اختلاف وجود دارد، این مقدار بیانگر وضعیت مطلوب این شاخص در مدیریت محلی روستایی شهرستان مشگین‌شهر است.

۴. شاخص اجماع‌محوری: مطابق جدول (۸)، مقایسهٔ خدمت‌متوسط گویه‌های مورد بررسی در ارتباط با شاخص اجماع‌محوری با میانگین وضع موجود از دیدگاه روستاییان بیانگر آن است که میانگین وضع موجود بیشتر از حد متوسط گویه‌هاست و میانگین وضع موجود با حد متوسط گویه‌ها به مقدار ۱/۲۱ اختلاف دارد. بر این اساس می‌توان استنباط کرد که مدیریت محلی مناطق روستایی شهرستان مشگین‌شهر در رابطه با شاخص اجماع‌محوری در وضعیت مطلوبی قرار دارد.

۵. شاخص قانون‌مندی: همان‌گونه که در جدول (۸) مشاهده می‌شود، میانگین وضع موجود شاخص قانون‌مندی به میزان ۱/۴ بیشتر از حد متوسط گویه‌هاست؛ بنابراین می‌توان چنین استنباط کرد که مدیریت محلی مناطق روستایی شهرستان مشگین‌شهر در ارتباط با شاخص قانون‌مندی در وضعیت مطلوبی قرار دارد.

۶. شاخص عدالت و برابری: مطابق جدول (۸) مقایسهٔ خدمت‌متوسط گویه‌ها با میانگین وضع موجود شاخص عدالت و برابری نشان‌دهندهٔ آن است که میانگین وضعیت موجود شاخص عدالت و برابری به میزان ۱ بیشتر از حد متوسط گویه‌ها بوده‌است و در نتیجه چنین استنباط می‌شود که وضعیت مدیریت محلی

مطابق با جدول (۷)، مجموعه‌های همگن در یک طبقه قرار می‌گیرند و با توجه به جدول مذکور، کارایی و مسئولیت‌پذیری با هم در یک مجموعه قرار گرفته‌اند و دارای بالاترین میانگین از بین سایر شاخص‌ها نیز هستند؛ بنابراین با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از جدول‌های (۷) و (۸) می‌توان نتیجه گرفت که در مدیریت محلی روستایی شهرستان مشگین‌شهر، شاخص‌های مسئولیت‌پذیری و مشارکت اجتماعی از کارکرد بیشتری برخوردار بوده‌اند و در مرحلهٔ بعد، به‌منظور وضعیت مدیریت محلی روستایی شهرستان مشگین‌شهر از لحاظ شاخص‌های حکمروایی خوب (فرضیهٔ دوم تحقیق)، ابتدا میزان شاخص‌های هشتمانه با استفاده از آزمون t تک‌نمونه‌ای مورد سنجش قرار گرفت و در نهایت به‌منظور بررسی وضعیت منطقهٔ مورد مطالعه در حالت کلی نیز از آزمون t تک‌نمونه‌ای استفاده شد.

۱. شاخص مشارکت اجتماعی: مطابق جدول (۸) مقایسهٔ حد متوسط گویه‌های مورد بررسی در ارتباط با شاخص مشارکت با میانگین وضع موجود از دیدگاه روستاییان بیانگر آن است که میانگین وضع موجود بیشتر از حد متوسط گویه‌هاست و میانگین وضع موجود با حد متوسط گویه‌ها به مقدار ۱/۲ اختلاف دارد. بر این اساس می‌توان استنباط کرد که مدیریت محلی مناطق روستایی شهرستان مشگین‌شهر در رابطه با شاخص مشارکت در وضعیت مطلوبی قرار دارد.

۲. شاخص پاسخگویی: همان‌گونه که در جدول مشاهده می‌شود، میانگین وضع موجود شاخص پاسخگویی به میزان ۰/۹۹ بیشتر از حد متوسط گویه‌هاست؛ بنابراین می‌توان چنین استنباط کرد که مدیریت محلی

مناطق روستایی شهرستان مشگین‌شهر در ارتباط با شاخص شفافیت در وضعیت مطلوبی قرار دارد. سنجش کلی وضعیت مدیریت روستایی منطقه مورد مطالعه براساس شاخص‌های حکمروایی خوب: برای اطمینان از وضعیت حکمروایی خوب روستایی در منطقه مورد مطالعه، همه شاخص‌ها را ترکیب کرده (کامپیوت شده) و پس از آن با استفاده از آزمون آماری t-test مورد تحلیل قرار گرفتند. براساس داده‌های جدول (۸)، از آنجایی که متغیر حکمروایی مطلوب روستایی در محدوده مورد مطالعه، مقدار ۲۲/۴۵ از حد متوسط میانگین بالاتر بوده و سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است. در کل وضعیت این متغیر در مدیریت محلی روستایی شهرستان مشگین‌شهر مثبت ارزیابی شده است و فرضیه تحقیق تأیید می‌شود.

مناطق روستایی شهرستان مشگین‌شهر در رابطه با شاخص قانون‌مندی در وضعیت مطلوب است. ۷. مسئولیت‌پذیری: همان‌گونه که در جدول (۸) مشاهده می‌شود، میانگین وضع موجود شاخص مسئولیت‌پذیری به میزان ۱/۶ بیشتر از حد متوسط گویه‌ها بوده است و در نتیجه چنین استنباط می‌شود که وضعیت مدیریت محلی مناطق روستایی شهرستان مشگین‌شهر در ارتباط با شاخص مسئولیت‌پذیری در وضعیت مطلوبی قرار دارد. ۸. شفافیت: همان‌گونه که در جدول (۸) مشاهده می‌شود، میانگین وضع موجود شاخص شفافیت به میزان ۱/۱ بیشتر از حد متوسط گویه‌ها بوده است و در نتیجه چنین استنباط می‌شود که وضعیت مدیریت محلی

جدول ۸: بررسی وضعیت شاخص‌های حکمروایی خوب روستایی در محدوده مورد مطالعه با استفاده از آزمون t

ردیف	شاخص	حد متوسط گویه‌ها	میانگین وضع موجود	اختلاف میانگین	سطح معناداری
۱	مشارکت اجتماعی	۱/۵۸	۲/۷۸	۱/۲	۰/۰۰۰
۲	پاسخگویی	۱	۱/۹۹	۰/۹۹	۰/۰۰۰
۳	کارآیی و اثربخشی	۱/۵۹	۲/۹۹	۱/۴	۰/۰۰۰
۴	اجماع محوری	۲/۳۶	۳/۵۷	۱/۲۱	۰/۰۰۰
۵	قانون‌مندی	۲/۵۲	۳/۹۲	۱/۴	۰/۰۰۰
۶	عدالت و برابری	۰/۹۹	۱/۹۹	۱	۰/۰۰۰
۷	مسئولیت‌پذیری	۲/۱۶	۳/۷۶	۱/۶	۰/۰۰۰
۸	شفافیت	۲/۱۴	۳/۲۴	۱/۱	۰/۰۰۰
مجموع	حکمروایی روستایی	۱/۷۹	۲۴/۲۴	۲۲/۴۵	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶

بحث

برعهده بگیرد، شایسته است که در کنار مردم روستایی، جامعه مدنی و بخش خصوصی به‌عنوان یکی از نهادها یا عوامل، مسئول مدیریت توسعه مناطق روستایی محسوب شوند، با این تعبیر دولت یا به تعبیر دیگر حکومت تسهیل‌کننده و زمینه‌ساز توسعه مناطق روستایی می‌شود.

فرجام سخن اینکه، اگرچه مفهوم حکمروایی خوب روستایی بر همیاری میان دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی مبتنی است؛ اما این مفهوم بر این اصل بنیادین استوار است که دولت، به جای آنکه به‌تنهایی مسئولیت کامل مدیریت توسعه مناطق روستایی را

نتیجه

همان‌طور که ذکر شد، نوشتار حاضر به ارزیابی الگوی مدیریت محلی روستایی مبتنی بر شاخص‌های حکمروایی خوب در مناطق روستایی شهرستان مشگین‌شهر پرداخته‌است و برای تحلیل داده‌ها و پاسخگویی به فرضیات تحقیق از آزمون آنوا و توکی و آزمون t تک‌نمونه‌ای بهره گرفته‌شد. نتایج به‌دست‌آمده از این آزمون‌ها به این شرح بود که ابتدا برای آزمون فرضیه تحقیق تفاوت میان شاخص‌ها بررسی شد و برای اثبات این امر از آزمون واریانس یک طرفه استفاده شد و از آنجایی که سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ بود، این امر تأیید شد. در همین ارتباط برای نشان دادن جزئیات بیشتر و اینکه وضعیت هر شاخص با شاخص‌های دیگر در چه وضعیتی قرار دارد، از آزمون توکی استفاده شد و نتایج به‌دست‌آمده از این آزمون نشان داد که همه شاخص‌ها به‌جز دو شاخص مشارکت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری با یکدیگر تفاوت معناداری دارند و با استناد به نتایج به‌دست‌آمده این حقیقت آشکار می‌شود که روستاییان دو شاخص مشارکت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری را به‌عنوان شاخص‌هایی که بیشترین عملکرد را در شکل‌گیری الگوی مطلوب مدیریت محلی روستایی داشته‌اند، تأیید کردند. با توجه به اینکه میانگین وضع موجود همه شاخص‌ها به‌طور مجزا و به‌صورت کلی بالاتر از حد متوسط گویه‌ها بوده‌است و میزان سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ به‌دست آمد؛ بنابراین فرضیه دوم تحقیق نیز که در ارتباط با سنجش وضعیت مدیریت محلی مناطق روستایی شهرستان مشگین‌شهر بود، تأیید شد؛ به‌عبارت دیگر باید گفت که مطابق با یافته‌های پژوهش، همه شاخص‌های حکمروایی خوب (مشارکت اجتماعی، پاسخگویی، کارایی و اثربخشی، قانون‌مندی، عدالت و برابری، اجماع‌محوری، مسئولیت‌پذیری و شفافیت)، در مناطق روستایی شهرستان مشگین‌شهر در وضعیت مطلوبی قرار دارند و یافته‌های

این تحقیق با یافته‌های تحقیق رحمانی‌فضلی و همکاران (۱۳۹۶)، رکن‌الدین‌افتخاری و همکاران (۱۳۹۰)، قدیری‌معصوم و ریاحی (۱۳۸۳)، Goodwin (2006)، Atkinson (2004)، Nkum (2002)، Kardos (2013) همخوانی دارد.

مطابق با یافته‌های جدول (۷)، پیرامون اهمیت مشارکت اجتماعی در تحقق حکمروایی مطلوب روستایی باید گفت، میزان مشارکت روستاییان در امور جامعه روستایی یکی از کلیدی‌ترین پایه‌های حکمروایی خوب روستایی به‌شمار می‌رود. مشارکت این قابلیت را دارد که به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم صورت گیرد. همچنین، با مداخله مشارکت واقعی و راستین روستاییان در فرایند حکمروایی، روند حکمروایی مردم‌سالارانه شکل می‌گیرد که در آن عدالت اجتماعی، حفاظت محیط زیست و حکمروایی شایسته هم‌زمان با هم مورد چالش قرار می‌گیرد. به باور فریدمن (۲۰۱۱)، رابطه حکمروایی و مشارکت تا حدی است که الگوهای مشابه برای همه و تنها یک راه بهترین جای خود را به مدیریت مشارکتی و همیارانه و برنامه‌ریزی بده‌بستانی داده‌است.

درخصوص اثرات شفافیت بر حکمروایی خوب روستایی ذکر این نکته ضروری است که در سایه شفافیت است که اطلاعات به‌صورت آزادانه در اختیار روستاییان قرار می‌گیرد و به این دلیل که روستاییان از این تصمیمات و اجرای آن تأثیر پذیرفته و از آن منتفع می‌شوند و همچنین کارایی و اثربخشی این اطلاعات از آن‌رو بیشتر است که اطلاعات به شکل قابل‌فهم به آستانه آگاهی روستاییان در جهت مشارکت در برنامه‌های توسعه‌ای مناطق روستایی می‌رسد. البته نباید فراموش شود که شفافیت زمانی اثربخشی عملی خواهد داشت که شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها و عملکرد وجود داشته‌باشد و درخصوص اطلاع‌رسانی عنصر صداقت جاری و ساری بوده و به‌بوته فراموشی سپرده نشود نیز از مردم روستایی درخصوص طرح‌های

بهبود عملکرد مسئولان، ارزیابی خدمات دولتی توسط روستاییان، بهبود روش‌ها با به‌کارگیری دانش جدید، لحاظ کردن رضایتمندی روستاییان، ارتقای کیفیت خدمات‌دهی و غیره، مدیریت روستایی در مسیر صحیح خود قرار می‌گیرد و توسعه مناطق روستایی عملیاتی می‌شود. همچنین اگر از منابع موجود اعم از منابع طبیعی، انسانی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی و غیره در مناطق روستایی در راستای تأمین نیازمندی‌های شهروندان روستایی استفاده بهینه شود. متعاقب آن، میزان رضایتمندی روستاییان ارتقا پیدا کرده و نظام انگیزشی آنان در جهت مداخله در به‌ثمر نشستن طرح‌های توسعه روستایی و سایر اقدامات قوام‌بخش مدیریت توسعه روستایی تحریک شده و در نتیجه به توسعه پایدار مناطق روستایی ختم می‌شود.

در باره پیوند بین قانون‌مندی با تقویت حکمروایی مطلوب روستایی می‌توان گفت که حکمروانی خوب نیازمند چارچوب عادلانه‌ای از قوانین است که دربرگیرنده حمایت کامل از حقوق افراد روستایی در جامعه باشد و به‌طور شایسته‌ای اجرا شود. البته قانون‌مندی زمانی در راستای تقویت حکمروایی خوب روستایی معنا و مفهوم پیدا می‌کند که عمل‌دهیاران و شوراها براساس اصول قانونی محوله به آن‌ها باشد، با تخلفات برخورد قاطع و شفاف صورت گیرد، زمینه فساد اداری، رشوه‌دادن و رشوه‌گرفتن، تأثیرگذاری نیروهای صاحب‌نفوذ در تصمیم‌گیری‌های مرتبط به روستا و غیره رخت‌برندد، روستاییان به این سطح از آگاهی و دانش رسیده‌باشند که ضمن احترام به حقوق هم‌نوعان خود، به قوانین و مقررات وضع‌شده نیز پایبند باشند.

در باره پیوند بین متغیر عدالت و برابری با تقویت حکمروایی مطلوب روستایی می‌توان گفت که رفاه و آرامش پایدار در جامعه روستایی با به‌رسمیت‌شناختن حقوق مساوی برای همه روستاییان ممکن خواهد بود. باید این اطمینان وجود داشته‌باشد که افراد روستایی،

توسعه‌ای روستایی نظرخواهی به‌عمل آید و در مقام عمل نیز نظرات روستاییان مورد توجه قرار گیرد و در کل، طوری باید بسترسازی شود که روستاییان بتوانند نسبت به عملکرد مدیریت توسعه روستایی اظهارات شفاف و صریحی داشته‌باشند و از هر نوع لکنت زبان و ترس از اظهارنظر و ایده‌های خود مبرا باشند.

در خصوص اثرات پاسخگویی بر حکمروایی خوب روستایی می‌توان گفت که پاسخگویی یکی از شاخص‌های کلیدی حکمروایی خوب روستایی است که براساس آن نه‌تنها نهادهای دولتی، بلکه بخش خصوصی و سازمان‌های مختلف جامعه مدنی نیز باید در برابر روستاییان و ذی‌نفعانی که جزو آن نهاد محسوب می‌شوند، پاسخگو باشند. البته پاسخگویی در مناطق روستایی زمانی معنا و مفهوم پیدا می‌کند که در خصوص مدیریت روستا، مسئولان پیرامون وظایف خود پاسخگو بوده و همچنین سازوکاری وجود داشته‌باشد که نیازها و خواسته‌های اهالی روستا به مسئولان رده بالا انعکاس یابد. همچنین در خصوص مطالبات روستاییان، پاسخ‌های درخور و شایسته‌ای به مردم روستا داده‌شود و مدیران روستا درباره آرائه برنامه‌ها با مردم صادق و روراست باشند و افزون‌بر این، جلساتی تشکیل دهند تا روستاییان را در جریان امور اعم از اجرای طرح‌های توسعه‌ای یا بحران کم‌آبی و سایر مسائل و مشکلات قرار دهند. البته نباید فراموش شود که مدیران روستا بیش از همه در قبال عملکرد خود باید پاسخگو باشند و از زیر بار مسئولیت فرار نکنند که همه این اقدامات می‌تواند سرمایه اجتماعی را در مناطق روستایی تقویت کرده و زمینه همیاری و همکاری روستاییان و نیز اعتماد روستاییان به مسئولان را فراهم آورده و درنهایت به تقویت حکمروایی مطلوب روستایی ختم شود.

در باره پیوند بین متغیر کارآیی و اثربخشی با تقویت حکمروایی مطلوب روستایی می‌توان گفت که به‌واسطه تقویت کارآیی و اثربخشی روستاییان از منظر

در نهایت به مدد نتایج تحقیق در راستای تقویت شاخص‌های حکمروایی خوب در نیل به بهبود مدیریت محلی روستایی مطلوب است که تقویت و بسط آموزش و ایجاد زمینه در جهت تقویت روحیه خوداتکایی و خودباوری در جامعه روستایی در اولویت قرار گیرد. افزون بر این، شایسته است که اقداماتی در راستای آموزش روستاییان در جهت همکاری با بخش دولتی و خصوصی در جهت انجام امور گوناگون به‌ویژه ارتقای فعالیت‌های توسعه‌ای روستایی به شیوه جمعی و گروهی صورت گیرد؛ علاوه بر این، دولت موظف است که زمینه و بستری ایجاد کند و حمایت از شکل‌گیری تشکل‌های مردم‌نهاد صنفی و مدنی و سندیکاها در جهت تقویت مدیریت محلی مناطق روستایی شهرستان مشگین‌شهر و آموزش روستاییان در راستای بهره‌گیری از ظرفیت‌های چنین تشکل‌هایی را فراهم آورد. همچنین می‌توان با تقویت منابع محلی، سرمایه اجتماعی و تحرک بخشیدن به ظرفیت‌های درونی مناطق روستایی شهرستان مشگین‌شهر، زمینه مشارکت اجتماعی، عدالت و برابری اجماع‌پذیری را در نیل به بهبود مدیریت محلی ارتقا بخشید. همچنین، دولت بایستی با اقدامات مداخله‌ای خود در جهت حمایت مالی و اقتصادی از اقشار فقیر و آسیب‌پذیر روستایی (زنان، کودکان، روستاییان فاقد درآمدی) در رسیدن به عدالت و برابری و مشارکت اجتماعی در راستای بهبود مدیریت محلی، تمهیداتی اتخاذ کند. همچنین باید اقداماتی از جمله تعامل هرچه بیشتر نهادهای مردم‌نهاد، سازمان‌های دولتی و عمومی و بخش خصوصی، رفع موانع، مشکلات و محدودیت‌های اداری و مالی و اجرایی موجود بر سر راه مدیریت محلی روستایی شهرستان مشگین‌شهر صورت گیرد. در خاتمه، بایستی سازوکاری تدبیر شود تا در نیل به بهبود مدیریت محلی از طریق تقویت شاخص‌های حکمروایی خوب تعامل و گفتگو میان روستاییان و متولیان توسعه روستایی صورت گیرد

به تناسب فعالیت خود در منافع جامعه روستایی سهیم خواهند بود؛ به عبارت دیگر، در حکمروایی خوب، همه افراد از فرصت‌های برابر برخوردار باشند و همچنین حکمروایی مطلوب روستایی با تقویت متغیر عدالت و برابری محقق می‌شود و در این ارتباط باید منشوری برای آگاهی روستاییان از حقوق خودشان وجود داشته باشد و زنان بتوانند در فعالیت‌های توسعه‌ای جوامع روستایی به ایفای نقش بپردازند و در امور مدیریتی روستا ورود پیدا کنند. همچنین، از اقشار فقیر و آسیب‌پذیر حمایت همه‌جانبه‌ای صورت گرفته و عدالت در توزیع برابر و عادلانه امکان روستا رعایت شود. افزون بر این، ضمن دسترسی برابر و یکسان روستاییان به فرصت‌های برابر، به منابع جمعی در زمان تعیین‌شده توجه شود.

درباره پیوند بین متغیر مسئولیت‌پذیری با تقویت حکمروایی مطلوب روستایی می‌توان گفت که روستاییان با تقویت مسئولیت‌پذیری خودشان می‌توانند در فرایند توسعه روستایی تأثیرگذار باشند و در این ارتباط، بین مسئولیت‌پذیری و حکمروایی خوب رابطه وجود دارد؛ به این دلیل که روستاییان مسئولیت‌پذیر به رعایت هنجارها و قوانین، ملتزم و مقید بوده‌اند و میزان نوع‌دوستی، احترام به ارزش‌ها، نمادها و الگوهای فرهنگ ملی و ارزش سایر اقوام در بین آنان بیشتر است و افزون بر این، روستایی مسئولیت‌پذیر در انتخابات متعدد مشارکت کرده و به زبان دیگر، در صحنه‌های سیاسی حضور فعالانه‌ و منفعلانه از خود به نمایش می‌گذارد و همچنین، روستایی مسئولیت‌پذیر به اهمیت منابع طبیعی واقف است و رفتار خود را در قبال محیط زیست تنظیم می‌کند و تلاش وافر به خرج می‌دهد تا رفتارهای آسیب‌زا به محیط زیست را کنترل کند که همه این مؤلفه‌ها، در تقویت حکمروایی خوب روستایی تأثیرگذار هستند.

منابع

- احتشامی، لطف‌الله (۱۳۸۴). نقش کلانتران و کدخدایان در مدیریت شهر و روستا از دوره صفویه تا انقلاب اسلامی، نشر مهر قائم، تهران.
- امیدیان، محسن، غلامرضا طالقانی؛ فرشته محمدی؛ جمال فیروزی؛ حمزه خواستار (۱۳۹۴). تحلیل نقش حکمروایی خوب در ارتقای توسعه انسانی: بررسی بین‌المللی. فصلنامه مدیریت دولتی. دوره ۷. شماره ۳. صفحات ۴۳۶-۴۱۳.
- بدری، سیدعلی (۱۳۹۰). چالش‌های مدیریت روستایی در ایران و ارائه سیاست‌های راهبردی، فصلنامه ره‌نامه سیاستگذاری. سال ۲. شماره ۳. صفحات ۱۷۹-۱۴۸.
- حیدری ساربان، وکیل (۱۳۹۴). بررسی اثرات گردشگری در توسعه اجتماعی مناطق روستایی، مورد مطالعه: شهرستان مشگین‌شهر، سال ۷. شماره ۲۵. صفحات ۱۸۶-۱۷۱.
- جاسبی، جواد؛ ندا نفری (۱۳۸۷). الگوی حکمرانی خوب: رهیافتی فرایندی-سیستمی، فصلنامه مدیریت و توسعه. سال دهم. شماره ۳۸. صفحات ۴۹-۳۶.
- جهانشاهی، محمدحسین (۱۳۸۶). نگاهی به تعاریف و مفاهیم حکمروایی، جستارهای شهرسازی، شماره ۲۰. صفحات ۵۶-۴۲.
- دباغ، سروش؛ ندا نفری (۱۳۸۸). تبیین مفهوم خوبی در حکمرانی خوب، نشریه مدیریت دولتی. دوره ۱. شماره ۳. صفحات ۳۲-۱.
- دربان‌آستانه؛ علیرضا؛ محمدرضا رضوانی؛ سیدحسن مطیعی؛ سیدعلی بدری (۱۳۸۸)، سنجش و عوامل موثر بر حکمروایی روستایی در حکومت‌های محلی (مطالعه موردی: شهرستان قزوین)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی. شماره ۷۳. صفحات ۱۱۹-۹۹.
- رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۳). مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، انتشارات قومس.
- رحمانی‌فضلی، عبدالرضا؛ رحمت‌الله منشی‌زاده؛ بیژن رحمانی؛ جهانبخش علیپوریان (۱۳۹۶). تحلیل جایگاه مدیریت روستایی مبتنی بر رویکرد حکمروایی خوب در توسعه پایدار روستایی، مطالعه موردی: مقایسه بخش مرکزی کوه‌دشت و بخش لواسانات شمیرانات، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی. سال ۶. شماره ۱. صفحات ۱۵۲-۱۳۳.
- رکن‌الدین افتخاری؛ عبدالرضا (۱۳۸۶). مدیریت توسعه روستایی، تهران، انتشارات سمت.
- رکن‌الدین افتخاری؛ عبدالرضا، حمدالله سجاسی‌قیداری؛ جمشید عینالی (۱۳۸۶). نگرشی نو به مدیریت روستایی با تأکید بر نهادهای تأثیرگذار، فصلنامه روستا و توسعه. سال ۱۰. شماره ۲. صفحات ۳۱-۱.
- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ جلال عظیمی‌آملی؛ مهدی پورطاهری؛ زهرا احمدی‌پور (۱۳۹۰). تبیین رابطه رهیافت حکمروایی خوب و توسعه پایدار روستایی در مناطق روستایی استان مازندران، فصلنامه پژوهش‌های روستایی. سال دوم. شماره چهارم. صفحات ۲۴-۱۸.
- سردارنیا، خلیل (۱۳۹۰). اثر سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب، ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی. شماره ۲۶۰. ۱۴۵-۱۳۲.
- سروستانی، صدیق (۱۳۸۶). تحلیل مدل‌های حکمروایی شهری در انتخاب سومین دوره شوراهای اسلامی شهر، فصلنامه رفاه اجتماعی. شماره ۲۶. ۲۶-۱۲.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل؛ عبدالله پورجوان (۱۳۹۱). رابطه حکمرانی با شاخص‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی کشورهای برگزیده، مجله علوم اجتماعی. سال نهم. شماره دوم. صفحات ۵۶-۴۱.
- شریف‌زاده، فتح؛ رحمت‌الله قلی‌پور (۱۳۸۲). حکمرانی خوب و نقش دولت، فرهنگ مدیریت، سال اول. شماره چهارم. صفحات ۱۰۵-۹۱.

- Kardos, M (2013). The reflection of good governance in sustainable development strategies. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 5 (8), 1166-1173.
- Meehan, E (2004). "From government to governance, civic participation & new politics; the context of potential opportunities for the better representation of women", Queen's University Belfast, School of Politics & International Studies. Access in: <http://www.qub.ac.uk/cawp/research/meehan.pdf>
- Murdoch, J., & Abram, S (1998). Defining the limits of community governance, *Journal of rural Nkum*, J. 2002. Local governance for rural poverty reduction, *European Forum on Rural Development Cooperation, Policies & approaches for rural poverty reduction: What works in practice?*[online], <http://www.ruralforum.info/papers/nkumen> .
- Oksana, P(2013). Good governance and policy addressing poverty alleviation in Ukraine, *MSC-Public Administration*.
- Pagano, M & Bowman, A (1997). *Cityscapes and capital: the politics of urban development*, Baltimore, MD, Johns Hopkins University Press.
- Rosenblum, R (1989). *The resurgent liberal*, New york: Times Books.
- Rothbard, M (1978). *For a new liberty*. New York: Collier- Macmilan.
- Rowley, Ch (1993). *Liberty and the state*, Brookfield, VT: Edward Elgar.
- Sherman, H (1995). *Foundation of radical political economy*, Armonk, NY: M. E. Sharpe.
- Studies, 14(1), 41-50.
- UNDP (2008). *UNDP, Human development report*. Available on Line: <http://hdr.undp.org>.
- Vaghun, K (1994). *Austrian economics in Arica*. New York: Cambridge University Press.
- World Bank (2012). *World development report*. New York: Oxford University Press.
- Xia, M (2012). Social capital and rural grassroots governance in China. *Journal of Current Chinese Affairs*, 40(2): 135-163.
- قدیری معصوم، مجتبی؛ وحید ریاحی (۱۳۸۳). بررسی محورها و چالش‌های مدیریت روستایی در ایران، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی. سال ۳۶. شماره ۵۰. صفحات ۹۳-۱۱۲.
- کلارک، باری (۱۹۴۸). *اقتصادی سیاسی تطبیقی*، ترجمه عباس حاتمی. انتشارات کویر.
- میدری، احمد (۱۳۸۵). *مقدمه‌ای بر نظریه حکمرانی خوب*، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی. سال ششم. شماره ۲۲. صفحات ۲۷۵-۲۶۰.
- نادری مهدی، کریم (۱۳۹۴). *واکوی عوامل بازدارنده مدیریت نوین روستایی در ایران*، فصلنامه پژوهش‌های روستایی. دوره ۶. شماره ۱. صفحات ۲۰۸-۱۸۷.
- ودیعی، کاظم (۱۳۴۸). *مقدمه‌ای بر روستاشناسی ایران*، نشر دهخدا.
- Atkinson, R (2004). The new urban governance and urban regeneration: managing community participation, *Journal of Rural Management*, 5(8), 29-55.
- Barry, N (1979). Hayek's social and economic philosophy. London: Macmillan.
- Bemile, R. & Boateng, R (2015). Promoting good governance through information and communication technology in resource-poor contexts. Conference Paper- Proceedings of the Africa Digital Week, July 25-29.
- Esty, D (2006). Good governance at the supranational scale: globalizing administrative law, *The Yale Law Journal*, 1 (5), 122-145.
- Goodwin, M (2006). The governance of rural areas: Some emerging research issues and agendas, *Jurnal of Rural Studies*, 14(1), 5-12.
- Hernes, G & Selvik, A (1983). *Locale corporatism" in organizing interested in Western Europe*. New york: Times Books